از فوتبالمان لذت می‌بریم ۲۴

قطارهایی که متوقف نمی‌شوند . . . ۲۵

ورزش

جدال برنزی ۲۵

جواد در بین ماتادورها ۲۶

گزارش اختصاصی خبرنگار شرق از نیمه نهایی

پرواز با پرنده مهاجر

علی فولادی، آلمان: اگر فردا پس فردا خبرش آمد که فیلیپه اسکولاری را به خاطر جر و بحث با داور مسابقه محروم کرده‌اند، مشخص می‌شود فوتبال دنیا یک حساب و کتابی دارد. اسکولاری در کل بازی از حرف زدن با داور و بازیکنانش منصرف نمی‌شد. حتی بارها رو به ریموند دومنک کرد و با اشاره‌های عجیب دست و صورت او را مورد خطاب قرار داد. فیلیپو در حقیقت یکی از سوژه‌های جذاب ورزشگاه آلیانز بود که البته خبرنگارها او را به همدیگر نشان می‌دادند و می‌خندیدند. اسکولاری که برای بردن حاضر است شخصیت خودش را له کند در دفعات بعدی بغل دستی‌های خودش را هم بلند کرد تا به نیمکت فرانسه و زمین و زمان بپرند و فریاد بزنند. با این وجود دومنک مثل مارکو فن باستن در بازی قبلی حتی نگاه هم به همتای خودش نمی‌کرد. کار به جایی رسید که مایکل لندرو دروازه‌بان سوم فرانسه چندین بار بلند شد و با حرکات دست ادای او را درآورد و به مربی پرتغال فهماند خیلی حرف می‌زند. در عین حال اواخر مسابقه هر دفعه دور و بری‌های اسکولاری می‌خواستند بلند شوند و جوسازی کنند، فیلیپه با حرکات دست آنها را آرام می‌کرد. این تصور می‌رفت که مرد برزیلی با پذیرش شکست از صرافت آن کارها افتاده، ولی باز در هنگام خروج از زمین او تمام فکرش این بود که پشت سر خورخه لاریوندا، داور اروگوئه‌ای راه بیفتد و نق بزند. اگر مسئولین تیم پرتغال او را نمی‌گرفتند حتی مستر اسکولاری بدش نمی‌آمد اوضاع را خراب‌تر هم بکند. این حرکات ناشیانه در حالی بود که پیش از بازی همه جا از کتاب چینی «هنر جنگیدن» که کتاب محبوب اسکولاری است حرف می‌زدند. مربی پرتغال اما می‌تواند ضمیمه‌ای با عنوان «و چگونه می‌توان خود را حقیر کرد» به این کتاب اضافه کند. بازی که تمام شد بازیکنان فرانسوی به سراغ هوادارانشان رفتند و از آنها تشکر کردند. یکی از آنها ویلی سانیول بود که یکی یکی جایگاه‌های فرانسوی‌ها را می‌دید و می‌رفت. سانیول سرانجام به جایی رسید که فرانسوی‌ها کنار خبرنگارها نشسته بودند. کلی از تماشاگران سمت او هجوم آوردندو می‌گفتند مثل پاتریک ویرا پیراهنش را دربیاورد و به آنان بدهد. سانیول اما انگار آنها را نمی‌دید. مدام با چشمانی نگران جمعیت پشت سر آن عده را نگاه می‌کرد. جوری که منتظر اتفاق عجیبی است. در یک لحظه نگاهش در یک جا ماند و آنجا، پله‌هایی بود که همسرش با دختر کوچکی که در بغل داشت پایین می‌آمد. جمعیت ناخودآگاه کنار رفت و سه نفر همدیگر را در آغوش گرفتند. مشخص هم نبود که چرا هر سه ناگهان به گریه افتادند. گریه بابت این موفقیت بزرگ بود و یا از بابت دلتنگی، معلوم نشد. یکی هم از آن کنار آمد پرچم بزرگ فرانسه را روی این سه نفر انداخت. فلاش‌ها یک لحظه قطع نمی‌شد.

■■■

امه ژاکه هم مثل دیدارهای قبلی فرانسه در استادیوم بود. او یکی از خوشحال‌ترین کسانی بود که موفقیت تیم ملی کشورش را می‌دید. پیروزی ریموند دومنک پیروزی بزرگ او هم محسوب می‌شد. با این برد حالا ژاکه به راستی پدر فوتبال فرانسه شده، چون دومنک مثل روژه لمه از همکاران و دوستان قدیمی ژاکه است. کسی که ژاکه بر روی او خیلی پافشاری کرد و سرانجام توانست دستیار سابقش را به مربیگری تیم ملی برساند. اگر پیشتر دوست دیگر امه ژاکه یعنی روژه لمه توانسته بود به قهرمانی جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۰ برسد، این مرتبه دستیار دیگر ژاکه موفق شد تیم ملی فرانسه را به فینال جام جهانی ۲۰۰۶ برساند. از آن جام ملت‌ها تا این جام جهانی، ژاکه اما نفوذ خود را تا حدودی از دست داده بود و آن زمان دوران مربیگری ژاک سانتینی در تیم ملی بود. سانتینی دقیقاً برخلاف خواسته ژاکه انتخاب شده بود. کسی که نه دوست و دستیار ژاکه و نه مثل لمه و دومنک در آکادمی ملی «کلروفونتن» جایی که ژاکه همه کاره‌اش به شمار می‌آید تحصیل کرده بود. سانتینی که طبق پیش‌بینی ژاکه در یورو ۲۰۰۴ زمین خورد، فوتبال فرانسه دوباره روی به امه ژاکه آورد که حالا با این توفیق از این انتخاب خود بسیار راضی است. پیروزی فرانسه بر پرتغال در حقیقت پیروزی امه‌ژاکه بر تمام دشمنانش بود.

■■■

اینکه می‌نویسند فلان بازیکن، ستاره بزرگی است، دلیل بر این نمی‌شود که او واقعاً چنین ستاره‌ای باشد. یکی از همین دست بازیکن‌ها پدرو پائولتا فوروارد نامدار پرتغال است که در این بازی هم دقیقه ۶۵ بیرون کشیده شد و جایش را به سابروسا داد. مهاجمی که همیشه آمار گل‌های او را پیش می‌کشیدند و ادعا می‌کردند در این تورنمنت غوغا خواهد کرد. این وعده‌وعیدها را البته خود پدرو پائولتا در روزهای پیش از مسابقات داده بود و از این می‌گفت که آقای گل جام خواهد شد. پائولتا اما مثل تورنمنت‌های قبلی (یورو ۲۰۰۴ و جام‌جهانی ۲۰۰۲) یک ناکام بزرگ بود. در این بازی هم هافبک‌های پرتغال بارها به او توپ رساندند ولی پائولتا در برابر دو مدافع مرکزی فرانسه انگار هیچ بود و حتی توان کنترل توپ را هم نداشت. دو سال دیگر صبر می‌کنیم و در یورو ۲۰۰۸ می‌بینیم فوروارد بزرگ پرتغال بالاخره چه گلی به جمال تیم ملی کشورش خواهد زد.

■■■

یکی از خوبی‌های ورزشگاه عجیب آلیانز این است که بازیکنان در دوقدمی تو هستند. البته برای افرادی که خیلی آن بالاها ننشسته‌اند. هر وقت که زیدان برای پرتاب اوت یا کرنر به کناره‌های زمین نزدیک می‌شد، این احساس ناخودآگاه به وجود می‌آمد که استاد را در یکی دو مسابقه آخرش تماشا می‌کنی. زیدانی که با گلش نه تنها تیم ملی فوتبال فرانسه را یک بار دیگر به قهرمانی در جام‌جهانی نزدیک کرد بلکه از طرفی لطمه دوباره‌ای به ژوسپن و راست گرایان فرانسه زد که یکی از شعارهایشان پاکسازی هر چه بیشتر کشور از مهاجرینی مثل زیدان است که نسل مردم فرانسه را از اصالت خارج کرده‌اند. جدا از این اوصاف، بعد از این گل قیافه زیدان با زیدان ۴ ماه پیش که در رئال‌مادرید بازی می‌کرد خیلی فرق می‌کرد. او دوباره چهره یک همیشه پیروز را پیدا کرده بود. استفان افنبرگ در موردش گفته: «او سخت‌ترین کارهای فوتبال را به آسان‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهد.»

■■■

میشل پلاتینی هم در ورزشگاه بود، اما شما مطمئن نباشید که او از این برد خیلی خوشحال شده، فرانسه اگر با زیدان دوباره قهرمان جام‌جهانی شود، او کاملاً زیر نام زیدان محو خواهد شد.

همان‌طور که پیشتر زیزو با قهرمانی در جام‌جهانی ۹۸ و یورو ۲۰۰۰ نام پلاتینی را در فوتبال کشورش به حاشیه برده بود. که گاهی نیز میشل با گوشه و کنایه، زیزو را زیر سئوال می‌برد که همیشه زیدان در واکنش می‌گفت که میشل پلاتینی به او حسادت می‌کند. حالا اگر فرانسوی‌ها با درخشش زیدان دوباره قهرمان شوند، آن‌گاه میشل دیگر چاره‌ای جز تسلیم ندارد. او که در استادیوم بود می‌دید که هر بار زیزو برای ارسال یک ضربه کرنر به کناره‌های زمین می‌رود، تماشاچی‌های فرانسوی چگونه تشویقش می‌کنند. این تشویق‌ها البته از بازی اول فرانسه مقابل سوئیس در اشتوتگارت شروع شد و فقط به خاطر این یکی دو برد گذشته نبود. دقیقه ۵۵ هم زیزو به کنار جایگاه خبرنگارها برای زدن ضربه کرنر آمد. به سرت می‌زد که طرفش بروی و بگویی: «یا اخی، سلام‌علیکم.»

■■■

نه به آن جام‌جهانی ۹۸ که فرانسوی‌ها نمی‌دانستند از بین ونسان کاندلا یا بیزنته لیزارازو کدامیک را برای پست مدافع چپ انتخاب کنند و نه به الان که فقط یک اریک آبیدال را برای این قسمت زمین دارند. بازیکنی که مثل آرنه فردریش در تیم ملی آلمان، نقطه ضعف بزرگ خط دفاعی فرانسه به حساب می‌آید.

در نیمه اول فیگو دو سه‌بار از کنارش گریخت که ارسال‌های او نزدیک بود دروازه فرانسه را باز کند. کریستیانو رونالدو هم که جای خود را با فیگو در زمین عوض کرد آبیدال را کاملاً خسته کرده بود. پرتغالی‌ها البته از حضور بازیکنی مثل او استفاده دیگری هم می‌کردند و آن به هنگام بازی‌سازی فرانسوی‌ها از خط دفاعی بود. هر موقع که بارتز می‌خواست توپ را به مدافعانش بسپارد تا آنها بازی را پایه‌ریزی کنند، پرتغالی‌ها سه مدافع دیگر یعنی سانیول، گالاس و تورام را یارگیری می‌کردند تا بارتز چاره‌ای جز اینکه توپ را به آبیدال بدهد نداشته باشد. این بازیکن بعد از یکی دو متر پیشروی خیلی آسان توپ را به پرتغالی‌ها لو می‌داد و حمله دیگری روی دروازه فرانسه ترتیب داده می‌شد. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه زیزو در این مواقع خودش را کاملاً نزدیک آبیدال می‌کرد و توپ را از او می‌گرفت و حفظ می‌کرد.

■■■

بالاخره کمیته فنی فیفا بازیکنی را انتخاب کرد که اکثراً با آن انتخاب موافق بودند. بازیکن برتری که این کمیته از مسابقه پرتغال – فرانسه برگزید، کسی غیر از لیلیان تورام نبود که در این مسابقه هم فوق‌العاده کار کرد. او و گالاس قلب خط دفاعی فرانسه را تسخیرناپذیر کرده بودند به‌گونه‌ای که اسکولاری مطمئن شد از راه توپ‌های هوایی و سانتر هرگز نمی‌تواند به گل برسد و با آوردن سیمائو سابروسا بازی را به زمین آورد که راه زمین را هم تورام و گالاس بسته بودند. بنابراین خبرنگارها عقیده‌ای غیر از تورام نداشتند. این درحالی بود که در مسابقه قبلی بین ایتالیا و آلمان یک انتخاب عجیب دیگر صورت گرفته بود و کمیته فنی فیفا ستاره‌های ایتالیا را ندید و جایزه را به آندره پیرلو داد! کسی که در زمین غیر از چند پاس کوتاه و یکی دو بار عوض کردن جریان بازی هیچ کار نکرد و در عوض فرانچسکو توتی در یک خط جلوتر از او تمام مسابقه را در مشتش گرفته بود. . .

■■■

هر چهار تیمی که به نیمه‌نهایی جام‌جهانی رسیدند، تیم‌هایی بودند که به غیر از اجرای صحیح اصول دفاعی، دو مدافع مرکزی بسیار موفق داشتند. در تیم ملی آلمان مرته ساکر و متزلدر و به‌خصوص این دومی عالی بودند. در ایتالیا کاناوارو و ماتراتزی که این دومی را مارچلو لیپی اصلاحش کرده بود، نقش بسیاری در این موفقیت داشتند. در پرتغال فرناندو مه‌یرا و ریکاردو کاروالیو مثل شیر مراقب دروازه‌شان بودند و در نهایت در فرانسه تورام و گالاس همین وظیفه را بر عهده داشتند. با این حساب در فینال امروز و سالیان بعد تیم‌هایی برنده خواهند شد که از این ویژگی‌ها برخوردار باشند. فوتبال کنونی دنیا چیزی غیر از این نمی‌خواهد. به همین خاطر نیز بازیکنانی مثل زیدان، رونالدینیو و لیونل مسی شبیه شعله‌هایی کوچک در فوتبال یخ بسته امروز هستند که باید دو دستی حفظ شان کرد. آن فوتبال زیبا و تماشاگرپسند که در زهن ماست کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود و در جام‌های جهانی بعد اوضاع بدتر از این هم خواهد شد.

■■■

مسابقه پرتغال – فرانسه در مونیخ یکی از شلوغ‌ترین بازی‌های این جام‌جهانی بود. به هر حال موقعیت جغرافیایی مونیخ به‌گونه‌ای است که بسیاری از فرانسوی‌ها و حتی پرتغالی‌ها ترجیح داده بودند خودشان را با ماشین به این شهر برسانند و در این موقعیت حساس تیمشان را تنها نگذارند.

ادامه در صفحه ۲۶

دقیقه صفر

یک داستان تراژیک

حسین مسلم

چند روزی به آغاز بازی‌های جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان باقی است. وارد سازمان بسیار عریض و طویلی شده‌اید که قرار است این بازی‌ها را برای مخاطبان میلیونی روی آنتن بفرستند. در اتاق بزرگی جلسه‌ای تشکیل شده که مجهز به وسایل صوتی، تصویری است. یک ویدئو پروجکشن هم در اتاق می‌بینید، که گاه به خواست مدیر جلسه به کار می‌افتد و تصاویری انتخاب شده از مسابقات برگزار شده در جام‌های مختلف فوتبال را پخش می‌کند. بحث‌ها جدی است و شما اگر بر اسب راهوار تخیل‌تان سوار نبودید عمراً نمی‌توانستید وارد این اتاق شوید و استراق سمع و بصر کنید. در همان بدو ورود به اتاق دستگیرتان می‌شود که بحث درباره چگونگی پخش و ممیزی تصاویر بازی‌هایی است که قرار است در خلال بازی‌ها و به صورت زنده از تلویزیون پخش شود. ترکیب شرکت‌کنندگان جلسه، ترکیبی است از کارگردان‌های تلویزیونی و عوامل فنی مثل مونتور و . . . البته صاحب منصبی که ریاست جلسه را برعهده دارد.

مدیر جلسه پس از مقدماتی که درباره حساسیت کار این همکاران می‌چیند، وارد بحث اصلی می‌شود و بعد از قدری صحبت درباره حال و هوای ورزشگاه‌ها و حرکات بعضی تماشاگرنماها، بهتر می‌بیند که بر قامت مفاهیم لباس مصادیق بپوشاند و از این روی از شخصی که ظاهراً مسئول پخش تصاویر از ویدئوپروجکشن است می‌خواهد که دستگاه را روشن کند، همه خیره می‌شوند به پرده.

ظاهراً بخش‌هایی از فینال یک بازی اروپایی است. گویا تصاویر قبلاً برای پخش در این جلسه توجیهی میکس شده‌اند. یکی از تیم‌ها بلافاصله پس از چند پاس در محوطه جریمه حریف، توپ را در گوشه دروازه جا می‌دهد و با این کار خود، ورزشگاه را منفجر می‌کند. پس از تصویر شادی و از سروکله هم بالا رفتن بازیکنان، دوربین زمین چمن را به حال خود رها می‌کند و روی سکوهای ورزشگاه سر می‌خورد. لحظات شادمانی هواداران تیمی است که گل زده است. مدیر که منتظر آمدن این تصاویر بود، بلافاصله انگشت اشاره‌اش را به سوی پرده می‌گیرد و می‌گوید: «خوب دقت کنید، چنین تصاویری است که همکاران باید آمادگی جایگزینی تصاویر مناسب دیگری را به جای آنها داشته باشند. . . ویدئوپروجکشن تصاویر مختلفی را پخش می‌کند و مدیر همچنان در حال توجیه همکاران است: مثلاً این قسمت چندان اشکالی ندارد و در این حد قابل پخش است، اما، آها، اینجا، چنین تصاویری دقت بیشتری می‌طلبد و . . . گونه کارگردان‌های حاضر در جلسه کمی گل انداخته است. خدا می‌داند چه افکاری در سرشان می‌چرخد. شاید پیش خود فکر می‌کنند، لحظه‌ای غفلت همان و یک توبیخ حسابی همان. یکی از آنها که کمی نزدیک‌تر به شما است، با نوک انگشتانش شقیقه‌اش را می‌خاراند، انگار کمی گیج می‌زند. . . نمی‌تواند مرز مشخصی میان بخشی از تصاویر «کمی قابل پخش» با تصاویر «کمی غیرقابل پخش» بکشد. طفلک حق دارد، بعضی وقت‌ها خط‌کشی میان بعضی چیزها کمی سخت است. کاملاً غیرقابل پخش که اظهر من‌الشمس است، اما حساب آن تکه‌های کمی تا قسمتی و . . . با کرام‌الکاتبین است.

تخیل کافی است. بر راهوار تخیل‌تان لگام بزنید. جام‌جهانی فوتبال در حال برگزاری است. جهان گر گرفته است. می‌توان آثار معجون عجیب و غریبی را که این روزها با چشم‌ها و گوش‌ها سرکشیده می‌شود، در هر گوشه و کناری دید. انگار فوتبال متن است و هر آنچه غیر از فوتبال، حاشیه. بعد از چاق‌سلامتی، اولین کلامی که بر زبان‌ها جاری می‌شود، فوتبال است. به راستی راز جذابیت فراگیر جام‌جهانی در چیست؟

جذابیتی که حتی بی‌تفاوت‌ترین آدم‌ها را به نوعی به سوی خود می‌کشد و اگر اندک علاقه‌ای هم باشد که دیگر حسابش جدا است. وقتی به این جذابیت قدری عمیق‌تر فکر کنیم، درمی‌یابیم که ملاط این جذابیت صرفاً در خود «بازی» فوتبال خلاصه نمی‌شود. تقریباً هر شب، همین شبکه ۳ بازی‌های لیگ‌های درجه یک اروپا را پخش می‌کند.

چند درصد از مردمی که با چنین اشتیاقی بازی‌های جام ۲۰۰۶ آلمان را پیگیری می‌کنند و با ولع از آن حرف می‌زنند، همه آن بازی‌ها را دنبال می‌کنند؟ حساب فوتبال‌دوستان حرفه‌ای به کنار، اما اگر تیم‌ها از اسم و رسم کافی برخوردار نباشند، ناگفته پیدا است که قوس این درصد مخاطبین تا کجا خود را پایین می‌کشد؟

ادامه در صفحه ۲۵

مترجم ایرانی، تحصیلکرده و ساکن انگلیس
با مدرک و سابقه طولانی در مترجمی حضوری و متن
پذیرای کارهایتان در بریتانیا
علیرضا عمرانی
تلفن/ نمابر: ۰۰۴۴-۲۰-۷۶۱۹۳۸۳۰
تلفن همراه: ۰۰۴۴-۷۹۳۲۰۰۰۱۳۹
پست الکترونیک: aemrani@hotmail.com